

ابزار و رسانه های تبلیغی اسلام؛

منبر و خطابه

گفت و گو با حجت الاسلام ادیب یزدی

تاریخچه شکل گیری منبر و تطور آن در طول تاریخ را توضیح دهید؟

اولین منبری که در اسلام ساخته شد منبر دو پایه ای بود که زنی از انصار وقتی مشاهده کرد پیغمبر به تنه درخت تکیه می دهد و برای مردم صحبت می کند با اجازه ی پیامبر دستور ساخت آن را داد غلامش منبری دو پایه ساخت و به عنوان هدیه به ایشان تقدیم کرد. از آن پس پیامبر اکرم (ص) بر فراز منبر می نشست و... از آن پس منبر به عنوان رسمی ترین، اصیل ترین، ماندنی ترین و سستی ترین نهاد و ابلاغ پیامهای آسمانی و رسمی آیین اسلام در طول تاریخ مطرح بوده و طبق قول معروف خلفای راشدین پای منبر می ایستاد و در اواخر عمر شاید به جهت ضعف جسمی روی منبر می نشستند. اهل سنت هنوز هم روی منبر می ایستند ولی اهل تشیع می نشینند. معلوم می شود که منبر در طول تاریخ مکانی بسیار حساس بوده و خصوصاً متدینین و مومنین چشمشان به عرصه ی منبر دوخته می شد تا ببینند کدام ماه از آن عرصه جلوه گری می کند و چه سخنانی می گوید تا از آن بهره ببرند، در هر صورت تاریخ گواه است که مردم به منبر اعتماد دارند و نگاهشان به آن نگاهی ویژه است. و اما منبر در طول تاریخ تطورات عمیقی داشته گاهی اوقات همین منبر که جایگاه ظهور خورشید و چهره موجه پیغمبر اکرم (ص) بوده به گفته امام سجاد (ع) به چوبهایی تبدیل می شد که لایق سوزاندن و به آتش کشیدن بود. امام سجاد (ع) در مسجد اموی وقتی می خواستند بر فراز منبر صعود کنند به یزید فرمودند که اجازه یده تا از این چوبها صعود کنم. امام سجاد (ع) منبری را که بر فراز آن به علی ابن ابیطالب (ع)، امام حسن مجتبی (ع) و

سیدالشهداء جسارت شده بود چوبی لایق سوزاندن نامید. به همین منظور منبری که بر فراز آن حق و حقیقت ولایت بیان نشود، منبر نیست. باز هم تاریخ گواهی می دهد که گاهی اوقات منبر وسیله دست مردم فریبان، ظاهرپرست ها، متحجرین و شیطان صفتان بوده که با سوء استفاده از موقعیت و طهارت منبر وجوه انحرافی خویش را به مردم القای کردند. به این ترتیب منبر را محمل بیان چه مطالبی می دانید؟

وقتی صحبت از منبر است باید گفت که بخش ویژه ای از مردم به شدت به منبر توجه می کنند از طرفی زمانی که نام منبر به میان می آید مردم با خیال راحت به آن روی می آورند و یقین دارند که آنچه از این جایگاه به گوش آنان می رسد حتماً از معارف حیاتیه سرچشمه گرفته و خود بافته نیست، منبر جایگاه بسیار اصیلی دارد و جای بیان یافته هاست نه جای بیان بافته ها. مردم به بافته ها توجه ظاهری دارند اما بر یافته ها توجه باطنی و حقیقی می کنند. بنابراین فردی که بر فراز منبر جلوس می کند باید یافته هایش را که در اثر عمل به احکام الهی به آن رسیده برای مردم بیان کند چنانکه پیغمبر اکرم (ص) یافته های خود را به شکلی روان و زیبا برای مردم بیان می کرد.

خیلی خوب، حالا با توجه به ظهور رسانه ای دیداری و شنیداری، فکر نمی کنید جایگاه منبر و خطابه رو به زوال است؟

برای پاسخگویی به این سوال لازم است منبرها را از دو جنبه محتوایی و شکل ظاهری آسیب شناسی کنیم. از لحاظ محتوایی اولین آسیب این است که بر فراز منبر مسائلی به غیر از حقیقت اسلام مطرح شود مثلاً قرض کنید از منبر جریان سرمایه داری به عنوان یک جریان اسلامی معرفی شود یا به مردم القا شود که سرنوشت مختومی در انتظارشان است و حال اینکه خدای بزرگ در قرآن می فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یمیر ما بانفسهم. معنایش این است که اگر مردم، هو شیار و دارای مقام بصیرت باشند، هرگز در مواجهه با استکبار جهانی کم نمی آورند ولی اگر مردمی شایعه پذیر و ضعیف باشند و بیش هایشان عمیق نباشد بدیهی است که در مواجهه با موج فراگیر هجوم فرهنگی، شکست خواهند خورد، لہذا بر فراز منبرها باید به مردم گفته شود که سرنوشتشان به دست خودشان رقم می خورد و می توانند منویات حضرت حق را به جهت سعادت مندی سرنوشت خود به کار برند. اگر ملتی متحد و در ذیل عنایت ولی فقیه باشند و شرایط منتظر واقعی را در خود ایجاد کنند قطعاً رستگارند. در دوره بنی امیه و بنی عباس به مردم القا می شد که شما بخواهید یا نخواهید یزید توسط خدا برگزیده شده است و یزید هم آن زمان که سر بریده ای عبدالله حسین (ع) را جلوش گذاشتند برای آزار اهل بیت (ع) با تمسک به آیه تغزوا من تشا و ترل من تشا خدا عزیز می کند هر که را بخواهد و ذلیل می کند هر که را بخواهد گفت اگر من حاکم و عزیزم خدا خواسته

و حسین ابن علی (ع) نیز به خواست خدا شهید شده است که در آن هنگام زینب کبری (س) جواب بسیار محکمی به یاهوهای یزید داد و فرمود: فلا تحسبن الذین کفرو انما فعلی لهم خیر الانفسهم بل انما فعلی لهم لیزدادوا اسماً و لهم عذاب مهین یعنی کسانی که کافر شدند گمان نکنند اگر به آنها فرصتی داده شده به نفع ایشان است بلکه ما به آنها فرصت می دهیم که گناهی به گناهشان بیافزایند و نهایتاً برایشان عذابی خوار کننده در نظر است.

دومین مساله منبر این است که ارباب منبر و اصحاب بیان و نطق باید خود را به معارف ناب محمدی (ص) نزدیک کنند برای به دست آوردن منابع ناب اسلام بایستی که خود را به سرچشمه های این معارف برسانند، سرچشمه های زلال معارف اسلامی قرآن و اهل بیت (ع) هستند و اگر منبرها معارف زلال اسلامی را به مردم تحویل دهند مردم خود بخود به قدری قوی می شوند که خواهند توانست فرمولهای فلسفه های وارداتی رانیز حلاجی کرده و درک کنند. یکی از مشکلات امروز ما این است که پژوہشگران و دانشمندان معاصر سعی دارند برای جوابگویی به مسائل روز، افکار غیر اسلامی را با افکار اسلامی ممزوج کنند که اولاً پذیرفته نیست و ثانیاً اغلب از عهده استخراج مطالب و نهایتاً استحصان ذهنی که متصورشان است بر نمی آیند. به جرات می توان گفت که معارف آل

محمد (ص) آنچنان غنی است که نیازی به معارف غیر ندارد. اگر ما نتوانسته ایم برخی از زوایای ذهنی خود را از طریق معارف ناب اسلام اشباع کنیم به این جهت است که به اندازه کافی با این معارف آشنایی نداریم. اما مساله سوم تطبیق منبر و فضای آن با تاریخ تکامل شیعی است که نیازمند اطلاعات قوی تاریخی از ناحیه ارباب منبر می باشد بی شک بزرگترین حرکت های اصلاح طلبانه و انقلابی در طول تاریخ شیعه از ناحیه منابر شکل گرفته و هدایت شده است یعنی از انقلاب کربلا و انقلاب شبهای مدینه که حضرت صدیقه طاهره (س) چهل شب به خانه اصحاب پیغمبر می رفتند و آنها را به دفاع از علی (ع) دعوت می کردند تا انقلاب اسلامی ایران و صدها انقلاب دیگر که بین این انقلابها رخ داده است همه در پای منبرها و براساس رهنمودهای حیاتی خطبا شکل گرفته است. پس معلوم می شود که انقلاب با منبر ارتباطی تنگاتنگ دارد و انقلابی، به طور حقیقی، پیروز و ماندگار است که پای منبرها باقی بماند. منبری باید ارتباط منبر را با تاریخ تکامل شیعی حفظ کند چرا که این تاریخ در میان تاریخ بقیه تفکرات اسلامی ویزگیها و درخشندگی های خاصی دارد به طوریکه دعوت به معارف ناب مختص یک برهه زمانی قطع خاص نبوده و جریان حقه اسلامی که فریاد فرقه ناجیه است در طول تاریخ از حلقوم شیعه درآمده است و این درخشندگی مدیون

حضرت زهرا (س) و انقلاب عظیم ایشان و فرزند بزرگوارشان حسین بن علی (ع) و نهضت بزرگ عاشورا است. این درخشندگی در تاریخ شیعه همچنان ادامه داشته و به انقلاب عظیم اسلامی منتهی شده است و اگر ارتباط منبر با تاریخ تطورات شیعی و پروسه عظیم زمانی که هم اکنون در آن واقع شده ایم قطع کنیم منبر از رسالت خود فاصله می گیرد به همین منظور ارباب منبر باید به این حقیقت دقت کنند و از بیان تاریخ و تفکر انقلابی بر فراز منبرها هراسی نداشته باشند همانگونه که در زمان حضرت علی (ع) عده ای بدون واهمه از دشمنان، از ایشان دفاع می کردند. متأسفانه امروز در میان منبرها افرادی هستند که با وجود صداقت و اطلاعات گسترده ای که دارند از بیان تاریخ و حقانیت انقلاب خودداری می کنند تا اتهامی به آنها وارد نشود دلیل هم این است که در طول تاریخ علما و روحانیت همواره در مقابل حکومت بوده اند نه در کنار آن چرا که حکومتها ناحق بوده و شدت مظالمی که از حکومت های جور سر می زد، علما را برای دفاع از مظلوم که بالاترین شعار اسلام و شیعه است وامی داشت که در مقابل حکومتها بایستند و این برای علما یک عادت تاریخی شد که در هر صورت با صاحبان قدرت به آسانی سازش نداشته باشند این یک سنت تاریخی بوده، مسلماً چنین رویکردی اکنون برای منابر و خطبه در کشوری که حاکمیت اسلام دارد، قابل قبول نیست. اینجاست که ما باید بین حکومتها تمایز قائل شویم. متأسفانه عده ای این تمایز را نمی پذیرند و باید به آنها هشدار داد که شرایط زمانی و مکانی و تاریخ تکامل شیعی را درک نکرده اند و نتوانسته اند عوامل تاریخی را از یکدیگر جدا نمایند.

دلیلش این است که مانیر و های مجرب و تربیت شده نداریم، نیروهایی که منویات اسلام را درک کنند و حاضر باشند در راه آن از خود گذشتگی نمایند. منبرهای ما باید از این روحیه برخوردار باشند، با این همه ممکن است که گاهی اوقات افتراقی بین تاریخ

عرفان، علم کلام و علوم دیگر باشد اگر منبری فقط یک وجه را ببیند دیگر نمی توان او را منبری نامید بلکه سخنرانی است معمولی که تنها می تواند یک مجلس و عطر را اداره کند، بدون تاثیر در مخاطب و روشنگری در ذهن او.

تفکر انقلاب و منبر به وجود آید که این فاصله باید هر چه سریعتر برطرف شود.

مساله چهارم درک شرایط روز، عالم به زمان و مقتضیات زمان بودن و توجه به نسل اصلی جامعه داشتن است. در کشور ما با توجه به دسیسه های دشمنان قشر جوان امروز بیشتر از گذشته برای پاسخگویی به شبهات به افراد مطلع و مجرب نیاز دارند همچنین باید به نیازمندیهای بانوان جامعه که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند و عناصر به شدت اثرگذار و آماده فراگیری آموزه های اسلامی هستند توجه ویژه شود حفظ حرمت بانوان به هر طریقی باید اعمال شود تا آنها متوجه شوند که جایگاهشان در منظر اسلام کاملاً محفوظ است و ما دلیلی برای متزوی کردن این قشر اثرگذار نداریم.

با همه اینها، همین منبر می تواند محل ترویج عقاید

نادرست عوام پروری و رشد معضلات بسیاری شود. بله، در منبر باید از خرافه گویی و بیان مطالب خلاف عقل و سطحی پرهیز شود، بسیاری از منبرهای ما امروز مابیان خواب و رویا اداره می شود این مطلب ممکن است عواطف مردم را تحریک کند اما نمی توان معارف را بر مبنای خواب قرار داد. متأسفانه برخی از ارباب منبر حتی از تطبیق آنچه که در خواب دیده می شود با آیات و روایات غافلند و شاید اصلاً توانایی این کار را نداشته باشند گاهی زمانها نیاز است که منبری برای تنوع در برنامه هایش به یک خواب یا خاطره نیز استناد کند ولی اگر تمام منبر به بیان مطالب بی مایه اختصاص داده شود، اگر مردم جواب مثبت هم بدهند این جواب به منبر نیست بلکه به احساسات خودشان است که بر اثر شنیدن چنین نکته ای برانگیخته شده، منبر باید محتوای علمی، فکری، تاریخی و انقلابی داشته باشد اگر اینگونه نباشد نشانه بی محتوا شدن منبر و سطحی نگری به مکانی است که باید عالیتترین برجسته ترین تحقیقات در آن عنوان شود البته این نیازمند آن است که ارباب منبر بتوانند مسائل علمی و روز را با معارف ناب اسلامی تطبیق داده و برای مردم بازگو کنند.

الان با توجه به همه این آسیب ها و کارکرد اصيل منبر، مهمترین رسالت این رسانه را در چه می دانید؟
بالاترین رسالت منبر در شرایط کنونی ایجاد انگیزه ماندگاری، دفاع، مقاومت، شجاعت، تقوا، رستگاری و تاریخ نگاری برای ملتی بزرگ و امت و ملتی سترگ است که تحت آموزه های اسلامی به این نتیجه رسیده اند که باید در میدان بمانند و سرنوشتشان را خود به دست گیرند. امروز به برکت انقلاب اسلامی ما ملتی هستیم که خادم و مخدوم خود بوده و به هیچ عنوان تحت القانات قدرتهای خارجی نیستیم، این بزرگترین افتخار است که به برکت خون شهدا نصیب ما شده و حقیقتی است که باید بر فراز منبرها بیان شود. منبری علاوه بر اطلاعات، باید دو قلب داشته باشد، قلب سلیم و قلب تسلیم.

قلب سلیم یعنی به آنچه می گوید اعتقاد داشته باشد و قلب تسلیم یعنی کارش را به خدا واگذار کرده و تعداد مخاطب، محل سخنرانی، نوع مخاطب و ... برایش مهم نباشد. منبری و به طور کلی انسان باید خود را از رذایل شیطانی دور کند تا بتواند بر عرصه منبر جلوس نماید به قول استاد شهید مرتضی مطهری کسی باید بر منبر صعود کند که معتمد مسلم باشد یعنی تسلط و احاطه او بر تمامی علوم به قدری باشد که بتواند جمعی را هدایت کند. متأسفانه گاهی اوقات منبریهای ما فقط از یک زاویه به مسائل می نگرند در صورتیکه منبری باید جامع حقایق تاریخ، فلسفه،